فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی
سال دوم، شماره دو، بهار ۱۳۹۸

www.qpjournal.ir

ISSN : 2645-6478

نقد و بررسی برخی از حکایت‌های بازنویسی شده عطار برای نوجوانان

دکتر سجاد نجفی بهزادی[۱]

معصومه مهری قهفرخی[۲]

زیبا علیخانی [۳]

تاریخ دریافت : ۱۳۹۷/۱۱/۹

تاریخ پذیرش نهایی : ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

چکیده

متون عرفانی مفاهیم و پیام‌های ارزشمندی برای کودکان و نوجوانان در بر دارند. بازنویسی خلاق این متون می تواند کودکان و نوجوانان را با مطالب مهم عرفانی آشنا سازد. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی برخی از حکایات عطار نیشابوری با متن بازنویسی شده آن از مجموعه بازنویسی‌های مهدی آذریزدی برای شناخت اصول مهم یک بازنویسی خلاق است. روش پژوهش به صورت تحلیل محتوا و اسنادی است. با مطالعه حکایت‌ها از متن اصلی و تطبیق آن‌ها با متن بازنویسی شده به بررسی آن‌ها از منظر عناصر داستان و شیوه‌های مناسب بازنویسی پرداخته شده است. نتایج نشان داد که آذریزدی با تغییر درون‌مایه عرفانی و تبدیل آن به درون‌مایه اخلاقی به دنبال آشنا کردن کودکان با متون عرفانی بوده است. افزایش تعداد شخصیت‌ها، افزایش عنصر کشمکش و گفت وگو، گسترش فضاها و حوادث فرعی و تغییر عنوان داستان‌ها از مهم‌ترین تکنیک‌هایی است که آذریزدی برای بازنویسی‌ها در نظر داشته است. ارائه درون‌مایه داستان به شکل مستقیم و عدم توجه به عنصر تعلیق از جمله نقاط ضعف بازنویسی‌های آذریزدی است.

واژگان کلیدی: آذریزدی، عطار، کودکان، متن بازنویسی، متن اصلی.

[۱] . استادیار ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد // Najafi ir@yahoo.com

[۲] . دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد // meri@yahoo.com

[۳] . مربی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان // alikhani@yahoo.com

مقدمه

بازنویسی به معنی دوباره نویسی است. در اصطلاح ادبی به نوشتن دوباره داستان یا مطلبی از زبان کهن و دشوار به زبانی ساده و روان و یا تغییر در قسمت هایی از متن، بازنویسی می‌گویند. هاشمی نسب بازنویسی را بازگویی و بازنوشتن اثری با حفظ ویژگی‌های اثر، بدون اندک دخل و تصرف در آن دانسته و ساده نویسی و بازآفرینی را در زمره بازنویسی قرار داده است. از نظر وی ساده نویسی، ساده کردن اثر است با نثری شیوا که پیام‌های اصلی متن را با کوتاه ترین شکل ممکن و با بیانی ساده و قابل فهم برای مخاطب بازگو کند.»(هاشمی نسب،۱۳۷۱ :۴۴) بازآفرینی هم نوعی بازنویسی است که در آن براساس آفرینشی مجدد بر اثری کهن بدون دخل و تصرف در چهارچوب و خطوط اصلی اثر، درون‌مایه با نگرش و پرداختی نو عرضه شود. بازنویس در بازآفرینی اعمال نظر بیشتری دارد و بنابر سلیقه خود تغییراتی در اثر بوجود می آورد. از این نظر« بازآفرینی مساله ای حساس و هنری است و کاری است دشوار که از عهده همه کس ساخته نیست.»(حجازی،۱۳۸۲ :۱۸۳)

بازنویسی متون این نیست که متنی (شعر یا نثر) را در چند جمله خلاصه کنیم، « بلکه غرض حفظ اصالت فکر و موضوع داستان و ایجاد ساختاری جدید در قالب زبانی ساده و قابل فهم است.»(پایور،۱۳۸۰ :۳۵) کودکان و نوجوانان با مطالعه متون کهن ادبی، علاوه بر آشنایی با تمدن کهن و دیرین خویش، تجربیات ارزشمندی بدست آورند و آن در سرلوحه زندگی خویش قرار دهند. روش ساده کردن متون در زمان خود برای در دسترس قرار دادن متون کهن فارسی به نوسوادان وکم سوادان گامی مثبت تلقی می‌شد؛ اما با گذشت زمان و تغییر و تحول در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن سطح توقع مخاطبین، نیاز به بازنویسی‌های خلاق بیش از بیش احساس می‌شود. در دسترس بودن انواع رسانه‌های جمعی و روزنامه‌ها در مسیر زندگی نوجوانان، وظیفه ادبیات کودک و نوجوان و نویسندگان این عرصه را سنگین‌ترکرده است. بنابراین باید به دنبال ایجاد ساختاری جدید و خلاق در زمینه بازنویسی متون کهن بود. «حکایت‌های *منطق الطیر*، *مصیبت نامه* و دیگر آثار عطار مطالب مهم و ارزشمندی برای کودکان و نوجوانان دارد. عطار نیشابوری در مجموعه آثار خود حکایت‌های بسیاری برای کودکان دارد و در شمار شاعرانی است که زبان کودکانه را یافته است. »(محمدی و قایینی،۱۳۸۴: ۱۵۵)

متون عرفانی مفاهیم و پیام‌های ارزشمندی برای کودکان و نوجوانان در بر دارند. بازنویسی خلاق این متون می‌تواند کودکان را با مطالب عرفانی آشنا سازد. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی برخی از حکایات عطار نیشابوری با متن بازنویسی شده آن از مجموعه بازنویسی‌های مهدی آذریزدی برای شناخت اصول مهم یک بازنویسی خلاق است. مهدی آذریزی از نویسندگانی است که در حوزه بازنویسی فعالیت زیادی دارد و آثار کهنی چون، *کلیله و دمنه*، *گلستان*، *بوستان*، م*ثنوی* و قصه‌های عطار را برای کودکان به زبانی ساده بازنویسی کرده است. آذریزدی در مقدمه کتاب«*قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب*» درباره هدف و شیوه بازنویسی این متون می‌گوید:« قصه‌ها را با انشای ساده تر نوشتم تا دانش آموزان دبستان هم بتوانند بخوانند و همراه با تفریح و سرگرمی، درس‌های خوبی از آن بیاموزند»(آذریزدی،۱۳۷۹،ج۶

:۷) آذریزدی جلد ششم از مجموعه هشت جلدی «*قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب*» را به بازنویسی قصه‌های عطار نیشابوری اختصاص داده است. این بازنویسی‌ها از مجموعه آثار او یعنی؛ منطق الطیر، مصیبت نامه و الهی نامه است. آذر یزدی تلاش کرده با حفظ چهارچوب قصه و یا با بازآفرینی و تغییر عناصر آن، حکایت‌ها را برای کودکان و نوجوانان ملموس نموده و بر اساس تفکر تربیتی خویش، پندهای اخلاقی را جایگزین پیام‌های عرفانی نماید. هدف این پژوهش بررسی و نقد داستان‌های بازنویسی شده از آثار عطار برای دست یافتن به شیوه‌ها و الگوهای مناسب بازنویسی متون کهن ادبی است. در واقع با این بررسی نقاط ضعف و قوت نویسنده در زمینه بازنویسی مشخص می‌شود. تا در آینده بازنویسی‌های خلاق تری برای کودکان و نوجوانان صورت گیرد. این بررسی از نظر اصول و ساختارهای داستانی است.

پیشینه تحقیق

درباره بررسی و نقد داستان‌های بازنویسی شده عطار نیشابوری تحقیق مستقلی صورت نگرفته (تحقیقی که تمام ساختار و عناصر داستان را بررسی کند)؛ اما در زمینه درون‌مایه داستان‌های بازنویسی شده و همچنین بازنویسی متون کهنی چون مثنوی، شاهنامه و کلیله و دمنه آثار صورت گرفته که به آنها اشاره می‌شود. مهم‌ترین پژوهش که ارتباط نزدیکی با تحقیق حاضر دارد، مقاله «دگرگونی درون‌مایه قصه‌های عرفانی در بازنویسی‌های اذریزدی» نوشته اکرم عارفی و مریم شعبان نژاد (۱۳۹۳) است که بازنویسی‌های مثنوی و عطار را از نظر درون‌مایه بررسی کرده اند. شیبانی فر(۱۳۸۵). در این رساله؛ اسطوره‌های ایرانی(آرش کمانگیر) و داستان بازنویسی شده آن از احسان یار شاطر به لحاظ محتوایی برای کودکان مورد ارزیابی قرارگرفته شده است ۴. جلالی (۱۳۸۵). که در این پژوهش به گردآوری، تحلیل و بررسی ادبی آثاری که در یک صد سال اخیر با توجه به شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان در کتاب‌ها و نشریات نوشته شده پرداخته است که یکی از رویکردهای تحقیق نیز توجه به سیر بازنویسی و اقتباس از شاهنامه برای کودکان و نوجوانان بوده است. ۵. یوسفی(۱۳۷۱). که آثاری از ادبیات کهن فارسی را برای کودکان بازنویسی و بازآفرینی کرده است. ۶. جلالی. مریم (۱۳۸۰) مقاله‌ای در زمینه دلایل و اهداف بازنویسی برای کودکان و نوجوان که به مهمترین اهداف و کارکرد بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است. ۷. نجفی بهزادی، سجاد، جهانگیر صفری (۱۳۹۰). در این مقاله به تحلیل و مقایسه عناصر داستانی در متن اصلی کلیله و دمنه و متن بازنویسی شده آن پرداخته شده است. مرادپور دزفولی، ندا (۱۳۹۲). «بررسی بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک با نگاهی به آثار عطار»، کتاب مهر، ش ۸، ص۴۴تا ۵۷. در این اثر ضمن پرداختن به تعاریف بازنویسی و باز آفرینی به برخی از بازنویسی های صورت گرفته از آثار عطار اشاره کرده است. نقد کلی این آثار در زمینه زبان و حجم و ساده کردن واژگان از مهم‌ترین موارد انجام شده در اثر فوق است. در پایان هم ساده یا خلاق بودن بازنویسی مشخص شده است. تفاوت مقاله حاضر با اثر ذزفولی در این است که در این پژوهش به نقد آثار بازنویسی از جنبه‌های مختلف شخصیت، درون‌مایه و پیرنگ و.. پرداخته شده است. آثار و مقالات جعفر پایور که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «چند دهه بازنویسی از مثنوی» که بازنویسی‌های صورت گرفته از مثنوی را در چند دهه گذشته بررسی نموده است. همچنین کتاب «شیخ در بوته» که در آن به تعریف بازنویسی

و انواع آن و همچنین چند متن بازنویسی شده از کلیله و دمنه و شاهنامه و مثنوی پرداخته و قسمتی از کتاب را به مقوله بازآفرینی اختصاص داده است.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای تحلیل محتواست. برخی از داستان‌های عطار در منطق الطیر و الهی نامه با متن بازنویسی شده آنها از نظر اصول و عناصر داستانی تطبیق داده می‌شوند تا نقاط قوت و ضعف داستان در ارائه مطالب عرفانی به کودکان و نوجوانان مشخص شود. همچنین مشخص شود که چه تغییرات در متن بازنویسی شده نسبت به متن اصلی صورت گرفته است؟ داستان‌های بازنویسی شده عطار از مهدی آذریزدی به عنوان منبع تحقیق استفاده شده است.

بررسی و نقد داستان‌های بازنویسی شده

آذریزدی در بازنویسی داستان‌های عطار (منطق الطیر، مصیبت نامه و الهی نامه) بیش از آن که به ساده نویسی و بازنویسی قصه‌ها دست بزند، آنها را بازآفرینی کرده است. دگرگونی‌های گسترده‌ای که بازنویس در قصه‌های شیخ عطار به وجود آورده و تغییر درون‌مایه را در پی داشته، ناشی از تفاوت جهت فکری و ادراکی آذریزدی و عطار و مخاطبان ایشان است. حتی در داستان‌های بازنویسی شده نیز درون‌مایه با انچه عطار مدنظر داشته متفاوت است. (عارفی و شعبان نژاد،۱۳۹۳:ص۲۳) داستان «عشق گدا و دختر سلطان» که در الهی نامه آمده، به صورت خلاق بازنویسی شده است. حکایت در متن اصلی کوتاه و در حدود ۲۵ بیت سروده شده است. عطار روایت خود را با توصیف دختر پادشاه آغاز می‌کند:

شهریاری دختری چون ماه داشت عالمی پر عاشق و گمراه داشت
فتنه را بیداریی پیوست بود زانک چشم نیم خوابش مست بود
عارض از کافور و زلف از مشک داشت لعل سیراب از لبش لب خشک داشت
گر جمالش ذره ای پیدا شدی عقل از لایعقلی رسوا شدی

(عطار، الهی نامه،۱۳۸۷ :۲۳۴)

آذریزدی با گسترش ساختار داستان و افزودن توصیفات مختلف، اثری متفاوت خلق کرده است. علاوه بر ساده شدن زبان، باید عناصر داستان نیز دچار تغییر و تحول شوند. عنوان حکایت در متن اصلی«درویشی که عاشق دختر پادشاه شد» است؛ اما در متن بازنویسی، عنوان به صورت ترکیب «گدای عاشق» تغییر یافته است که در مقایسه با عنوان متن اصلی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. یونسی در کتاب «*هنر داستان نویسی*» درباره عنوان داستان می‌گوید: «عنوان باید کوتاه و ساده و آهنگین باشد. عنوان داستان بر چسبی است که نویسنده به یاری آن داستان خود را جذاب و از سایر داستان‌ها متمایز می‌کند و این تنها چیزی است که در جلب نظر خواننده به داستان مؤثر است» (یونسی، ۱۳۸۸:

ص۱۰۸). داستان بازنویسی شده با توضیح نویسنده درباره عشق و عاشقی شروع می شود: «روزی بود، روزگاری بود. در یکی از شهرها دختر حاکم شهر از همه دختران زیباتر بود. همه جوانان شهر عاشق او می‌شدند. عاشق یعنی چه؟ عاشق کسی است که چیزی را خیلی زیاد دوست دارد و برای رسیدن آن حاضر است فداکاری کند. یکی هست که کتاب دوست دارد و تا بتواند سعی می‌کند کتاب بخواند.... دوست داشتن محبت است، ولی دوستی خیلی زیاد و بیش از اندازه را که با فداکاری باشد عشق می‌نامند.» (آذریزدی ،۱۳۷۹:۱۰۶:ج۶ ص۱۱)

در متن اصلی پیرنگ داستان‌ها چندان قوی نیست، چون قصد عطار داستان پردازی نبوده و از این جهت نمی‌توان خرده‌ای بر او گرفت، اما در متن بازنویسی نویسنده می‌تواند به گونه‌ای که لطمه‌ای به درون‌مایه داستان وارد نشود، در ساختار پیرنگ تغییراتی ایجاد کند. پیرنگ حوادث داستان را تنظیم و آنها را از آشفتگی خارج می‌کند. «پیرنگ نقل حوادث است با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلولی و حفظ توالی زمانی».(فورستر،۱۳۸۲: ص ۱۱۲-۱۱۳) در متن بازنویسی نویسنده تا حدودی روابط منطقی میان حوادث را در نظر گرفته است. برای نمونه در داستان بازنویسی شده«کودک و ماهیگیر» این مساله به خوبی دیده می‌شود.« پسرک رو را برگرداند و محمود را با لباس و اسبش دید و فهمید که هر کس که هست از بزرگان دولت است. سلام کرد و جواب داد: دارم ماهی می گیرم، کار من همیشه همین است.... محمود گفت: خوب، بازی کردن که خرجی ندارد آدم خودش تنها هم که هست می‌تواند بازی کند. کودک گفت: ولی من باید هفت نفر را نان بدهم، مادرم و شش تا بچه را که از خودم کوچکترند، آخر پدر و مادرم در دریا غرق شدند .» (آذریزدی،۱۳۷۹:ج ۶: ص۱۶)

کشمکش نقش مهمی در داستان‌های بازنویسی شده بر عهده دارد. کودک مخاطب از طریق کشمکش‌های شخصیت-های داستان به درون‌مایه و پیام داستان پی می‌برد و خود را در داستان سهیم می‌داند. در متن اصلی کشمکش نمود چندانی ندارد؛ چرا که همانگونه که گفته شد قصد اصلی عطار بیان نکات عرفانی بوده نه داستان پردازی؛ اما نویسنده بازنویس می‌تواند در داستان با ایجاد کشمکش‌ها داستان جدیدی خلق کند. در متن بازنویسی نویسنده کم و بیش از عنصر کشمکش استفاده کرده است. اغلب کشمکش ها فکری هستند. در متن بازنویسی شده «آب تازه، آب نو» کشمکش میان دو سقا دیده می‌شود «سقای اول گفت: کمی آب بده بخورم. سقای دوم گفت: مگر عقلت کم است؟ خودت آب داری بریز و بخور. سقای اول گفت: از بس از این آب خوردم دیگر دلم گرفته از این آب. می‌خواهم آب تازه‌ای بخورم. «سقای دوم گفت: مگر تو از کجا می‌آیی و آب را به کجا می‌بری؟ سقای اول گفت: از سرچشمه می‌آیم و آب را به آشپزخانه کدخدا می‌برم. سقای دوم گفت: پس اشتباه می‌کنی صفای دیگر چیزی دارد که نداشته باش آن را. و به آن محتاج باشی. سقای اول گفت: این چه حرفی است می‌زنی؟ هر کسی از چیزای تازه خوشش می‌آید. سقای دوم گفت: پلو و آبگوشت دو چیز است آنکه خوراکش را عوض می‌کند به خوراک تازه نیاز دارد. آب مشک هم آب است. آب مشک من هم آب است شربت نیست...»(همان:ص۱۱۱).

شروع و پایان داستان‌ها نیز نقش مهمی در جذب مخاطب داستان دارد. در متن اصلی توجهی به شروع داستان نشده و اغلب حکایت با حادثه آغاز می‌شود. برای مثال در حکایت «سلطان محمود و خارکن» در منطق الطیر، عطار بدون مقدمه به حادثه می پردازد.

ناگهی محمود شد سوی شکار اوفتاد از لشکر خود بر کنار
پیرمردی خار کش می راند خر خار وی بفتاد وی خارید سر
پیش شد محمود گفت ای بی قرار یار خواهی؟ گفت خواهم ای سوار
گر مرا یاری کنی چه بود از ان من کنم سود و تو را نبود زیان
از کرم امد به زیر آن شهریار برد حالی دست چون گل سوی خار
بار او بر خر نهاد آن سرفراز رخش سوی لشکر خود راند باز

(عطار،۱۳۸۵:ص۱۲۳)

در متن بازنویسی شده نویسنده فضای سازی بیشتری نسبت به متن اصلی انجام می‌دهد و بعد به حادثه اصلی می‌پردازد. داستان فوق با عنوان «جنس کمیاب و گران» بازنویسی شده است. داستان بازنویسی شده این گونه آغاز می‌شود:«روزی بود، روزگاری بود. یک روز سلطان محمود غزنوی با امیران لشکر خود به قصد شکار به صحرا رفت. در کنار تپه‌ای سرسبز و پر درخت که دیدن آن از دور آسان بود، قرارگاهی ترتیب دادند و چادر سلطان را سر پا کردند. خدمتکاران به تهیه ناهار مشغول شدند. و لشکریان به دیده بانی راه‌ها گماشته شدند..... محمود نیز سوار بر اسب از میان پست و بلند صحرا به جست وجوی شکار رفت و به دنبال گورخری اسب تاخت.... وقتی سلطان محمود از پشت تپه‌ای سر در آورد، با پیرمرد خارکنی روبرو شد..»(آذریزدی،۱۳۷۹، ج۶: ص ۹) نویسنده بعد از توصیف محل شکار و برپا کردن چادر در یک رابطه منطقی و به دنبال شکار رفتن محمود با پیرمرد مواجه می‌شود و این برای مخاطب توجیه پذیرتر است. «زیرا نویسنده همیشه نمی‌تواند داستان خود را با آکسیون (حادثه) شروع کند و خواننده را بی درنگ به میانه داستان ببرد. اغلب باید خواننده را آماده کرد و وی را با خصوصیات پرسناژ (Personals) داستان یا محیط آن آشنا کند سپس به داستان بپردازد.»(یونسی، ۱۳۸۸: ص ۴۹). در متن اصلی توجه چندانی به مساله شروع، میانه و پایان داستان نشده و نمی‌توان بر آثار عطار خرده‌ای گرفت، چون هدف او داستان پردازی به شیوه امروزی نبوده است و هدف از بررسی تطبیقی متن اصلی و بازنویسی، دست یافتن به اصول و ساختارهای مناسب بازنویسی متون کهن است. نویسنده بازنویس باید ساختار و اصوب داستان نویسی را در نظر بگیرد. نویسندگان حوزه ادبیات کودک و نوجوان برای بازنویسی این حکایات و داستان‌های پر بار، می‌توانند با حفظ محتوا و درون‌مایه اثر، حکایات کهن را در قالب و ساختار جدیدی برای خواننده کودک بازسازی کنند. نکته دیگر اینکه اغلب داستان‌های بازنویسی شده و اصلی دارای چندین پیرفت اند. پیرفت(Sequence)، حوادث اصلی و فرعی داستان است، پیرفت «ناظر بر توصیف و وضعیت معینی است که درهم ریخته و دوباره به شکلی تغییر یافته سامان می‌یابد» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۷ :ص۱۴۵).

در واقع هر داستانی دارای یک یا چند پیرفت است اغلب داستان‌های بازنویسی شده نیز دارای یک پیرفت اند. در متن اصلی اغلب یک حادثه وجود دارد که در متن بازنویسی شده حادثه اصلی گسترش و تا چندین صفحه ادامه پیدا می‌کند. نمونه بارز این مساله داستان مسعود و کودک ماهیگیر است که عطار آن را در حدود ۱۵ بیت سروده؛ اما در متن بازنویسی شده حدود ۳۰ صفحه است. افزایش تعداد شخصیت‌ها، رویدادها، گفت‌وگوها، کشمکش، مکان‌ها و ... باعث شده داستان از ساختار متفاوتی برخوردار باشد. حادثه اصلی یکی است، اما چندین حادثه فرعی ایجاد شده است. در حقیقت داستان ذکر شده به نوعی بازآفرینی شده است. نویسنده حتی دست به تغییر درون‌مایه داستان نیز زده است. افزایش تعداد گفت وگوها، کشمکش ها، تعداد شخصیت ها، توضیحات نویسنده درباره حوادث فرعی تفاوت متن اصلی و بازنویسی شده است.

جدول شماره ۱ پیرنگ در متن اصلی و بازنویسی شده

متن کهن	تعداد اولیه	ناپایداری میانی	کشمکش	پایداری فرجامین	تعداد حوادث	متن بازنویسی	تعادل اولیه	ناپایداری میانی	کشمکش	پایداری فرجامین	تعداد حوادث
حکایت مسعود وکودک ماهیگیر	ندارد	دیدار کودک و پادشاه	ندارد	دارد	ندارد	کودک ماهیگیر	دارد	دارد	فکری	دارد	۳
حکایت عابدی که در زمان موسی مشغول ریش خود بود	ندارد	دارد	فکری	دارد	ندارد	ریش عابد	دارد	اندکی دارد	فکری	دارد	ندارد
الحکایه والتمثیل	ندارد	داردن	مرد با مار	دارد	۱	ماروما رگیر	دارد	دارد	مرد با مار	دارد	۱

مصیبت نامه											
حکایت غافلی که از ابلیس گله داشت	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	لعنت بر شیطان	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	دارد	مرد با حضرت دانیال	۱
سرپاتک هندی	دارد	ندارد	دارد	دارد	کودک دانا	۱	دارد	دارد	دارد	دارد	فکری	۱
انگشتری و پادشاه		ندارد	دارد	دارد	پند کلاه نمدی	۱	دارد		دارد	دارد	فکری	۱
حکایت تمثیل بخش ۳۸		ندارد	دارد	ندارد	پیرچ نگی		ندارد		ندارد	دارد	ذهنی	۲
حکایت تمثیل بخش۳۷		دارد	ندارد	ندارد	حما سه گنج شکی		ندارد		ندارد		فکری	
درویشی که عاشق دختر پادشاه شد	ت وص یف دخ تر پاد شاه	دیدار گدا و دختر پادش اه	کشم کش فکری	شرمساری گدا	گدای عاشق	۱	توصیف	دیدا ر گدا و دخ تر پاد شاه	کشمک ش فکری	شرم ساری گدا	۲
حکایت و تمثیل	-	دیدن آسی	-	-	سنگ آسیا	۱	توصیف مکان	دید ن	فکری	-	۲

		ای در گرد ش					آسی اب			
شیخ نوقانی	–	گرسن گی	–	–	علاج گدایی	توصیف	شک ستن کوزه	–	گداپ روری	۲
سلطان محمود و خارکن	–	افتادن بار خارک ن	فکری	–	جنس کمی اب و گران	۱	توصیف شکارگاه	افتاد ن بار خار کن	فکری	خوش حالی خارک ن	۲

تحلیل جدول شماره ۱

با توجه به جدول شماره ۱ ساختار پیرنگ در متن بازنویسی شده قوی تر از متن اصلی است. نویسنده بازنویس می‌تواند با حفظ درون‌مایه اثر مبدا و اصلی داستان جدیدی خلق کند. افزایش تعداد حوادث داستان، ایجاد کشمکش‌های مختلف میان شخصیت‌ها، انتخاب زمان و مکان ملموس‌تر، تنوع شخصیت‌ها و تغییر نام و ویژگی شخصیت‌ها از مهم ترین راه‌های ایجاد بازنویسی خلاق است. در متن اصلی به نقطه شروع و پایان داستان توجه چندانی نشده؛ اما بازنویس می‌تواند با ایجاد یک شروع مناسب مخاطب را جذب داستان کند. عنصر تعلیق در متن بازنویسی شده نیز آنچان که باید زیاد نیست. نکته دیگر تغییر عنوان داستان‌هاست. نویسنده با خلاقیت خود عنوان‌ها را تغییر داده است. اغلب کشمکش‌ها فردی و به نوعی فکری است. هر چه تعداد کشمکش‌ها بیشتر باشد، مخاطب شخصیت ها و درون‌مایه داستان را آسان تر درک می‌کند.

۲-۱. درون‌مایه داستان‌های بازنویسی و متن اصلی

اندیشه و فکری که در داستان جریان دارد. اندیشه و دیدگاه نویسنده نسبت به مسائل و سر رشته اصلی داستان را درون‌مایه می‌گویند. «درون‌مایه فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ص۱۷۴). براساس نظریه یاکوبسن علاوه بر عنصرهای پیام، گیرنده و فرستنده، سه عنصر تماس، رمزگان و بافت در تعیین درونمایه نقش مهمی بر عهده دارند. «پیام باید از طریق تماس جسمانی و یا روانی ارائه شود؛ باید در قالب رمزگان قرار گیرد و باید به بافتی ارجاع دهد و با

توجه به همین بافت می‌فهمیم که پیام و درون‌مایه درباره چیست.» (اسکولز، ۱۳۷۹ ص:۴۵) در جدول شماره ۲ درونمایه متن اصلی و متن بازنویسی شده و شیوه ارائه آنها مشخص شده است. براساس اطلاعات جدول، درونمایه متن اصلی در متن یازنویسی شده دچار تغییر شده اند. آذریزدی درون‌مایه متن اصلی را از شیوه عرفانی به صورت مسائل اخلاقی و پندآموز تغییر داده است. آذریزدی در برخی از بازنویسی‌هایش، درصدد افزایش معلومات علمی، تاریخی، مذهبی و... مخاطب است و مطالبی را به متن اصلی اضافه نموده است. به طور مثال در داستان مار و مارگیر اشاره کرده که مارها برای استفاده در صنعت داروسازی و استفاده از سم یا پوست شان شکار می‌شوند. «مرد مارگیر اگر مار را در تله می‌گرفت او را حبس می‌کرد و می‌برد به کارخانه داروسازی و یا به باغ وحش می‌فروخت و اگر هم در تله نمی‌افتاد ان را می‌کشت و پوستش را می‌کند و می‌فروخت ..»(آذریزدی،۱۳۷۹،ج ۶:ص۱۱۷) در داستان لعنت بر شیطان به مواردی اشاره کرده است که می‌تواند موجب دوری بنده از خدا شود وکارهای شیطانی انجام دهد(نماز خواندن/ صدقه دادن/ مسجد رفتن و.. .). معمولا در بازنویسی متون کهن و ادبی نویسنده اجازه تغییر درون‌مایه متن اصلی را ندارد، مگر اینکه دست به بازآفرینی بزند. آذریزدی در اغلب قصه‌ها درون‌مایه را براساس درک و دریافت مخاطب کودک تغییر داده و عقیده دارد که پیام‌های نهفته در متون عرفانی چندان برای کودکان قابل فهم نیستند. برای مثال در داستان اصلی از منطق الطیر (سرپاتک هندی) درون‌مایه درباره اتحاد طالب و مطلوب است؛ اما در متن بازنویسی با عنوان «کودک دانا» درون‌مایه درباه اهمیت علم و دانش است.« از نظر آذریزدی درک موضوعاتی چون حضور قلب و دانستن اسرار غیبی که از کرامات اولیاء الله است، برای کودکان دشوار و نابایسته است. از این جهت نویسنده بازنویس در داستان پیرچنگی حضور فرد حامل خبر را جایگزین غیب دانی بندگان خاص خدا کرده است. آذریزدی درون‌مایه‌های عرفانی را به درون‌مایه اخلاقی، اجتماعی، دینی و تاریخی تغییر داده که بیشترین بسامد مربوط به درون‌مایه‌های اخلاقی است با حدود ۱۳ قصه از ۲۳ قصه بازنویسی شده»(عارفی و شعبان نژاد،۱۳۹۳ :ص۳۳)

پرتال جامع علوم انسانی
فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

متن اصلی	درونمایه	شیوه ارائه	متن بازنویسی	درونمایه	شیوه ارائه
سرپاتک هندی	اتحاد طالب و مطلوب	مستقیم/پایان	کودک دانا	اهمیت علم و دانش/توانایی انجام هر کاری با علم و دانش	مستقیم/درطول داستان/ابتدا-میان-پایان
انگشتری و پادشاه	کار دنیا گذرا و ناپایدار است	مستقیم/پایان	پندکلاه نمدی	کار دنیا گذرا و ناپایدار است ظاهر ملاک نیست	مستقیم/میان و پایان
حکایت و تمثیل بخش ۳۸	کرامات ابوسعید مردم ساده دل زودتر به مراد می رسند	مستقیم/پایان	پیرچنگی	مردم ساده دل زودتر به مراد می رسند	مستقیم/میان و پایان
حکایت و تمثیل بخش۳۷	سخن محال عاشق عین حال است	مستقیم/پایان	حماسه گنجشکی	غیرت در عشق/ سخن در خور حال/لاف نزن	مستقیم/ابتدا /میان/پایان
حکایت مسعود وکودک ماهی گیر	شانس وبخت واقبال	مستقیم (میانه-پایان)	کودک ماهیگیر	عدالت طلبی/انسان بر اساس استعداد و میزان تلاش پیشرفت می کند/ ایستادن در برابر زور	مستقیم(میانه)
حکایت عابدی که در زمان موسی مشغول ریش خود بود	دل مشغولی به دنیا موجب دوری از خدا می شود(عرفانی)	مستقیم(میانه)	ریش عابد	اخلاص شرط عمل است ودر عبادت باید خالص بود	مستقیم
الحکایه و التمثیل/ مصیبت نامه	مستغرق شدن بنده در حق(عرفانی)	مستقیم(پایان)	مار و مارگیر	انسان حیله گر از حق سخن می گوید تا نتیجه ی ناحق بگیرد	مستقیم(پایانی)

حکایت غافلی که از ابلیس گله داشت	فریب خوردن انسان از ابلیس/برخی انسانها از شیطان بدترند وخود مسیر شیطانی را بر می گزینند	مستقیم(میانه وپایان)	لعنت بر شیطان	انتخاب خوب یا بد وخیر وشر در زندگی دست خود انسان است	مستقیم (پایان)
درویشی که عاشق دختر پادشاه شد	عاشقی سوز و شور است	مستقیم/ پایان	گدای عاشق	تناسب و هوشیاری در عشق	مستقیم و پایان
حکایت و تمثیل	دوری از تنوع طلبی	مستقیم /پایان	آب تازه، اب نو	قدر داشته های خود را دانستن	مستقیم/ میانه
شیخ نوقانی	شرط وصال عمل است نه حرف	مستقیم پایان	سنگ آسیاب	برتری تلاش بر عمل صوفی	مستقیم/ میانه
سلطان محمود و خارکن	عنایت حق بر سالک	مستقیم/ پایان	جنس کمیاب و گران	لطف سلطان نسبت به فرودست	مستقیم/ میانه

جدول شماره ۲ درونمایه و شیوه ارائه آن در متن اصلی و بازنویسی شده

تحلیل جدول شماره ۲

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۲، درون‌مایه برخی از قصه‌های متن اصلی آثار عطار نیشابوری در متن بازنویسی دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند. آذریزدی برای اینکه کودکان بتوانند این داستان‌ها را به خوبی درک کنند و از انها لذت ببرند، تغییر داده و از شیوه عرفانی به اخلاقی و تاریخی و دینی دگرگون کرده است. برخی از قصه‌ها نیز با همان درون‌مایه و بدون تغییر بازنویسی شده‌اند. برای نمونه در داستان «انگشتر پادشاه» که به صورت «پند کلاه نمدی» بازنویسی شده، درون‌مایه در هر دو متن یکسان است؛ اما در داستان «مسعود و کودک ماهیگیر» که به صورت«کودک ماهیگیر» بازنویسی شده درون‌مایه دچار تغییر شده در متن اصلی درون‌مایه درباره شانس و بخت و اقبال است؛ اما در متن بازنویسی شده درباره عدالت و تلاش انسان برای پیشرفت است. نکته دیگر اینکه شیوه ارائه درون‌مایه در متن اصلی

و بازنویسی شده چندان تفاوتی باهم ندارند. در هر دو متن اغلب به شیوه مستقیم درون‌مایه ارائه شده است. درحالی که بازنویس می‌تواند به شیوه غیرمستقیم و در میان کنش و گفت وگوی شخصیت‌های داستانی، درون‌مایه را ارائه دهد.

شیوه ارائه درون‌مایه

یکی از مهم‌ترین شگردها در بازنویسی متون ادبی، ارائه غیر مستقیم درون‌مایه داستان است. چون متون کهن ادبی به قصد ارائه مطالب اخلاقی به دنبال انتقال مستقیم پیام هستند، نویسندگان و بازنویسان می‌توانند از شیوه غیرمستقیم برای ارائه درون‌مایه داستان بازنویسی شده خود استفاده کنند. درون‌مایه گاه به صورت مستقیم در متن و یا در پایان حکایت به وسیله نویسنده بیان می‌شود و گاهی هم خواننده به صورت غیرمستقیم و در میان کنش‌ها و گفت‌وگوهای اشخاص داستان درونمایه را دریافت می‌کند. کشف درون‌مایه مستلزم ایجاد ارتباط میان اثر و جهان بیرون اثر است. «مجموعه عناصر داستان (شخصیت، زاویه دید، گفت وگو و..) و انسجام آنها باهم ساختار داستان را تشکیل می‌دهند که همه این عناصر برای رسیدن به یک هدف، یعنی بیان درون‌مایه داستان است.» (گراوند،۱۳۸۸:ص۱۷) در داستان «انگشتری پادشاه» که به صورت «پند کلاه نمدی» بازنویسی شده درون‌مایه در هر دو متن به صورت مستقیم ارائه شده است. در متن اصلی که در ۱۵ بیت سروده شده، پادشاه از درباریان خواست تا برایش انگشتری بسازند که هر وقت غمگین و ناراحت شد با نگریستن به انگشتری احوالش بهتر شود. حکیمان روی انگشتر نوشتن «آخر بگذرد این نیز هم» و انگشتر به پادشاه دادند.

مرا سازید یک انگشتری پاک — که هر وقتی که باشم نیک غمناک
چو در وی بنگرم دلشاد گردم — ز دست ترک غم آزاد گردم
باخر اتفاقی جزم کردند — بیک ره بر نگینی عزم کردند
که بنگارند بر وی این رقم زود — که آخر بگذرد این نیز هم زود
چو ملک این جهان ملکی روندست — بملک آن جهان شد هر که زندست

(عطار، بیت ۱۴)

ناپایداری جهان و بی‌توجهی به غم و اندوه این جهان زودگذر، درون‌مایه مد نظر عطار است که به صورت آشکار در بیت آخر بیان شده است. در متن بازنویسی شده نیز درون‌مایه به شیوه مستقیم و در پایان داستان بیان شده است. «حاکم گفت: من به سهم خودم پند کلاه نمدی را می‌پسندم که هم مختصر است و هم آرام بخش. وقتی من یادم بیاید که همیشه احوال یکسان نمی‌ماند و غصه‌ها و شادی‌ها هم می‌گذرند، دلم آرام می‌شود و فرصت پیدا می‌کنم که بیش از اندازه ناامید و غمگین نباشم و دل به این دنیا نبندم و مغرور نشوم» (آذریزدی ،۱۳۷۹،ج۶ص:۱۰۱) بازنویس برای انجام بک اثر خلاق و متفاوت می‌تواند این درون‌مایه را به صورت مستقیم در میان کنش‌ها و حوادث داستان بازگو کند و کودکان را درگیر داستان و درک و دریافت درون‌مایه کند و داستان را برای کودک جذاب سازد. یکی از ویژگی‌های مهم آثار کودکان، جذابیت آثار برای انهاست. (لذت ادبی) اقتباس متن‌های کهن برای کودکان جز در موردهایی پیشرفت

چشمگیری نداشته‌است. به نظر می‌رسد آن چه تاکنون در بازنویسی‌ها اهمیت داشته آشنا ساختن کودکان با متن‌های کهن بوده و نه آفرینش متنی جذاب برای ایشان؛ این در حالی است که نودلمن با کنکاش در ویژگی‌هایی که داستانهای کودکان را لذت‌بخش کرده و مخاطبان را به درون متن می‌کشد، راه تازه‌ای پیش روی نویسندگان نهاده‌است. نودلمن با برشمردن شاخص‌های لذت به این نتیجه می‌رسد که اگر متن ادبی کودک خالی از این شاخص‌ها باشد، لذتی برای مخاطب کودک ندارد. (ر.ک مراد پور،۱۳۹۵:ص ۴)

در اکثر بازنویسی‌های آذریزدی از آثار عطار، درون‌مایه به شیوه مستقیم ارائه شده است. گاهی هم درون‌مایه‌ها در متن بازنویسی دچار تغییر می‌شوند که این مساله با تعریف بازنویسی مغایرت دارد. پایور در کتاب «شیخ در بوته» عنصر مهم و اساسی در بازنویسی را عدم تغییر درون‌مایه می‌داند. (ر.ک پایور،۱۳۸۰ :ص۱۳) در جدول شماره ۲ می‌توان تغییر درون‌مایه را در متن اصلی و بازنویسی شده مشاهده کرد. عطار درونمایه‌ی عرفانی حکایت را در انتهای آن آورده است؛ اما آذریزدی از بیان درونمایه‌ی عرفانی صرف نظر کرده و درونمایه اجتماعی و اخلاقی را مد نظر داشته است. وی به نکات تربیتی قصه نیز توجه داشته است. در جای مناسب از ضرب المثل و شعر استفاده کرده است تا بتواند با زبانی ساده با مخاطب خود ارتباط برقرار نماید. در حکایت «عابدی که در زمان موسی مشغول ریش خود بود» عطار به دنبال ارائه پیام عرفانی به مخاطب خود است. (دل مشغولی به دنیا موجب دوری از خدا می‌شود) در این حکایت مرد عابد از حضرت موسی می‌خواهد که از خدا بپرسد چرا او نه ذوقی دارد در عبادت و نه شور حالی. موسی در جواب او و از طرف خدا می‌گوید:

از برای حق که از حق کن سوال تا چرا نه ذوق دارم من نه حال
چون کلیم القصه شد بر کوه طور باز پرسید ان سخن، حق گفت دور
گوهر آنک از وصل ما درویش ماند دایما مشغول ریش خویش ماند
چون ز ریش خود بپردازی نخست عزم تو گردد در این دریا درست
ور تو با این ریش در دریا شوی هم ز ریش خویش ناپروا شوی

(عطار، منطق الطیر: ۲۳۴ص۱۴۵)

مرد عابد به دلیل اینکه به امور دنیوی مشغول بود، نتوانست از عبادت با خداوند ذوق و بهره لازم را ببرد. در متن بازنویسی شده آذریزدی در ابتدای داستان درون‌مایه را بیان می‌کند.« در هر کاری اخلاص شرط کمال است. فکر ادم باید خالص باشد و تمام متوجه یک چیز باشد. اخلاص فقط در کوه و صحرا نیست در همه جا هست. اخلاص صفا می‌دهد و شوق و شور می‌آورد؛ ولی این مرد تمام دلش پیش خدا نیست. بیشتر فکرش مشغول ریش خودش است...»(آذریزدی،۱۳۷۹،ج۶:۳۹). آذر یزدی درون‌مایه را تغییر می‌دهد چون تصور می‌کند خواننده کودک توانایی درک پیام‌های عرفانی را ندارد. به همین دلیل برخی از مباحث را به صورت کامل توضیح می‌دهد و داستان را گاهی به یک متن انشایی و توضیحی تبدیل می‌کند. او مخاطب را دست کم می‌گیرد و مدام برایش توضیح می‌دهد. برای نمونه در

داستان «گدای عاشق» او چندین سطر درباره عشق توضیح می‌دهد، توضیحاتی که بیشتر درک و دریافت بزرگسال از عشق است تا درک کودک. «پس عشق یعنی محبت زیاد، عشق هیچ وقت به بدخواهی و بدجنسی پایان نمی‌گیرد. عاشق اگر دارای تن و عقل سالم باشد سعی می‌کند با وفاداری ارزش خود را بالا ببرد و خود را لایق دوستی بسازد تا به مقصود برسد و اگر نرسید با سرنوشت خود می‌سازد..» (همان: ص۱۰۶)

انتخاب یک متن خوب یا خلق آن (بازنویسی) تاثیر چشمگیری در جلب رضایت و افزایش مخاطب دارد. مارگارت میک معتقد است که کودک با اولین نگاه به متن می‌تواند حدس بزند یا درک کند که چه چیزی قرار است خوانده شود و درک همین موضوع است که می‌تواند خواننده را به ادامه مطلب و رفتن به صفحه بعد رهنمون کند یا جلوی پیشرفت مطالعه او را بگیرد.»(جلالی،۱۳۹۳ :ص۷۵) داستان‌های بازنویسی آذریزدی چندان جواب‌گوی سلیقه مخاطب امروز نیست. مخاطبی که دنیای اطراف او را برنامه‌های متنوع و شبکه‌های اجتماعی فراوان گرفته است. خلاقیت در روایت و ارائه موضوع و درون‌مایه داستان‌ها، استفاده از عنصر تعلیق و... از مهم‌ترین عواملی است که می‌توان مخاطب کودک را به خوانش داستان ترغیب کند. حال انکه در داستان‌های بازنویسی شده آذریزدی این موارد به ندرت دیده می‌شود.

شخصیت

شخصیت‌ها در قصه‌ها و حکایات متون کهن، افرادی هستند که تقریبا دارای بعد اخلاقی و روحی ثابتی‌اند. کمتر دچار تحول می‌شوند. «قهرمان قصه‌ها یا خوبند و یا بد، حد وسطی وجود ندارد» (میرصادقی،۶۲:۱۳۸۶). شخصیت‌ها در حکایات متون کهن از طبقه‌های اجتماعی مختلف انتخاب شده‌اند. شخصیت‌های چون پادشاه، وزیر،گدا، ثروتمند، پارسا، عارف و شخصیت‌های تاریخی است. تعداد شخصیت‌ها در متن اصلی و باز نویسی شده یکسانند مگر در اندکی از حکایت‌ها که نویسنده با تخیل خلاق خویش و برای برجسته سازی محتوا و درون‌مایه، دست به آفرینش شخصیت می‌زند که ساخته ذهن خویش است. شخصیت‌های اصلی حکایت عطار پادشاه و حکیمان هستند؛ اما در بازنویسی آذریزدی حاکم، طبیب، واعظ، فیلسوف، مرد کلاه نمدی و جواهرساز در قصه حضور دارند. شخصیت‌ها ایستا بوده و پادشاه، شخصیت پویای قصه است که با نکته‌ی اخلاقی پایان قصه تصمیم دارد تغییراتی در اعمال و رفتار خودش ایجاد نماید. هر چه شخصیت‌ها پویا تر باشند بهتر می‌توانند مخاطب کودک را با خود همراه کنند. اگر در بازنویسی داستان‌ها، در کنار شخصیت‌های ایستا از شخصیت‌های پویا، بیشتر استفاده شود، داستان جذابیت و گیرایی بیشتری خواهد داشت و کودکان «با خواندن شرح حال شخصیت‌هایی که بر اثر رویدادها دچار تحول درونی و فکری می‌شوند، در می‌یابند که در مسیر زندگی با چه موانع و سختی‌ها و دقایقی برخورد خواهند کرد، از آنها عبرت می‌گیرد تجربه کسب می‌کنند و مسیر رشد و کمال خویش را بهتر پیدا می‌کنند.» (فروزنده، ۱۳۸۸: ص۱۶۰).

متن کهن	تعدادشخصیت	شخصی ت اصلی	ایستا	پویا	مثبت یا منفی	متن بازنویسی	تعدادشخصیت	شخصی ت اصلی	ایستا	پویا	مثبت یا منفی
مسعود وکودک ماهی گیر	۴	۲	۳	۱	۴مثبت	**کودک ماهی گیر**	۵	۲	۴	۱	۵مثبت
عابدی که مشغول ریش خود بود	۳	۱	۳	۰	۳مثبت	**ریش عابد**	۳	۱	۳	۰	۳
الحکایه والتمثیل / مصیبت نامه	۳	۱	۲	۱	۳مثبت	**مارومارگی ر**	۳	۱	۲	۱	۲مثبت و۱منفی
غافلی که از ابلیس گله داشت	۳	۲	۲	۱	۲منفی و۱مثبت	**لعنت بر شیطان**	۳	۳	۲	۱	۲منفی و۱مثبت
سرپاتک هندی	۵	۲	۳	۲	مثبت	کودک دانا	۹	۳	۱۰	۲	مثبت
انگشتری و پادشاه/	۲	۲	۲	۱	مثبت	پندکلاه نمدی	۶	۲	۷	۱	مثبت
۳۸ الحکایه والتمثیل	۳	۲	۲	۱	مثبت	پیرچنگی	۴	۲	۳	۱	مثبت
۳۷ الحکایه والتمثیل	۳	۲	۲	۱	مثبت	حماسه گنجشکی	۴	۲	۳	۱	مثبت

درویش که عاشق دختر پادشاه شد	۳	۲	۲	۱	منفی	گدای عاشق	۵	۲	۴	۱	منفی
شیخ نوقانی	۴	۱	۴	-	مثبت	سنگ آسیاب	۶	۱	۵	۱	مثیت
حکایت و تمثیل	۲	۲	۱	۱	مثبت	آب تازه	۴	۲	۳	۱	مثبت
سلطان محمود و خارکن	۲	۲	۲	-	مثبت	جنس کمیاب	۵	۲	۵	-	مثبت

جدول ۳ شخصیت‌ها در متن اصلی و بازنویسی شده

تحلیل جدول شماره ۳

تعداد شخصیت‌ها در متن اصلی بیشتر از متن بازنویسی شده است. نویسنده می‌تواند با توجه با ساختار قصه، تعداد شخصیت ها را افزایش دهد. تغییر نام شخصیت‌ها نکته‌ای دیگر است که در متن یازنویسی شده به چشم می‌خورد. اغلب شخصیت‌ها به صورت کلی و عام در متون کهن ذکر شده اند که بازنویس می‌تواند از اسم خاص استفاده کند. شخصیت‌ها اصلی در متن بازنویسی و متن کهن تغییری نکرده است. همچنین منفی یا مثبت بودن شخصیت‌ها در هر دو متن یکسان است. تعداد شخصیت‌های یک وجهی و ساده در متن بازنویسی و اصلی تغییر چندانی نکرده است. استفاده از شخصیت چند وجهی باعث می‌شود مخاطب با شخصیت همذات پنداری کند و به مقایسه رفتار خود نسبت به اعمال و رفتار شخصیت داستان بپردازد. «شخصیت‌های چند وجهی، پیچیده‌اند و دستخوش تکامل و رشد می‌شوند؛ گاهی اوقات به حدی که خواننده اثر را شگفت زده می‌کنند»(هافمن، ۱۹۹۶ص۳۴) نمونه این شخصیت‌ها در متون کهن و عرفانی نظیر آثار عطار به چشم می‌خورد. این شخصیت ها دچار انقلاب درونی می‌شوند و می‌توانند برای مخاطب موثر باشند. بازنویس با توجه بیشتر به این نوع شخصیت‌ها می تواند کودک را در برطرف کردن بسیاری از مشکلات در زندگی یاری دهد. نمونه بارز این شخصیت‌ها، پیر چنگی است که مسیر زندگی و حوادث مختلف زندگی‌اش در یک روایت خلاق و جذاب برای کودک می‌تواند مفید واقع شود. با توجه به اطلاعات جدول شماره ۲ تعداد شخصیت‌های پویا در متن اصلی و بازنویسی یکسان است. بازنویس از اسامی جدید و امروزی در داستان خود استفاده کرده است. برای نمونه در داستان بازنویسی شده «مسعود و کودک ماهیگیر» به جای لفظ عام کودک از نام «رامان» استفاده شده است. گاهی نیز به جای لفظ عام پادشاه از اسم خاص استفاده می‌شود مانند سلطان محمود.

گفت وگو

یکی دیگر از عناصر مهم و قابل توجه در بازنویسی متون کهن، گفت و گوست. استفاده مناسب و به موقع از عنصر گفت و گو علاوه بر گسترش پیرنگ داستان، مخاطب را در درک درون‌مایه و شناخت ویژگی شخصیت‌ها یاری می‌دهد. این عنصر داستانی می‌تواند نقش به سزایی در پیشبرد داستان و معرفی ابعاد مختلف اخلاقی و رفتاری شخصیت‌های داستانی داشته باشد و به تکوین داستان سرعت بخشد. در متون کهن ادبی گفت وگو اغلب نمود چندانی ندارد. بازنویس می‌تواند در اثر بازنویسی شده خود به خوبی از این عنصر استفاده کند. آذریزدی در داستان‌های بازنویسی شده از حکایات عطار تاحدودی توانسته از ظرفیت این عنصر داستانی استفاده نماید. برای نمونه عطار در مصیبت نامه و در حکایت «سلیمان و پرندگان» چندان از عنصر گفت وگو استفاده نمی‌کند. در این داستان مرغی عاشق سلیمان می شود و هر روز بی قرار او می‌شود:

هر زمانش بیقراری تازه شد هر دمش بی صبری از اندازه شد
آمدی پیش سلیمان از پگاه سوی او دزدیده می‌کردی نگاه
بال و پر از عشق او می سوختی پی به حیلت باز بر می دوختی
خواند یک روزی سلیمان در برش کرد از ان یک خواندن عاشق ترش
گفت می‌دانم که بر من عاشقی چون تویی عشق مرا کی لایقی

(عطار، مصیبت نامه،۱۳۸۵ :ص۲۳۴)

در متن اصلی گفت‌وگوی کوتاهی میان سلیمان و مرغ عاشق اتفاق می‌افتد. آذریزدی در بازنویسی این حکایت با عنوان «حماسه گنجشکی» از عنصر گفت‌وگو زیاد استفاده می‌کند. نویسنده در روایتی خلاق بین دو گنجشک عاشق گفت وگویی ترتیب می‌دهد:«گنجشک ماده گفت: آنجا را نگاه کن سلیمان با لشکر خود از انجا می‌رود. گنجشک نر گفت: سلیمان را ولش کن. بیا از خودمان حرف بزنیم. گنجشک ماده گفت: مقصودم این است که سلیمان چه دم و دستگاهی دارد! چه لباس‌هایی! چه خوب زندگی می کند. گنجشک نر گفت: خوش‌تر از آن‌ها خودمان هستیم که اینجا در کنار هم نشستیم و راحت و آسوده زندگی می‌کنیم.»(آذریزدی،۱۳۷۹،ج۶:۴۳) این گفت وگو ادامه پیدا می‌کند تا اینکه سلیمان سخنان آن‌ها را می‌شنود و با آنها وارد گفت‌وگو می‌شود. چون عطار قصد داستان پردازی ندارد از این نظر نمی‌توان خرده‌ای بر او گرفت؛ اما بازنویس برای ایجاد یک ساختار تازه و خلاق در اثر خود می‌تواند از گفت وگوی میان شخصیت‌ها استفاده کند. نویسندگان حوزه کودک و نوجوان باید تکنیک‌ها و اصول مهم داستان نویسی را برای جذب مخاطب در نظر بگیرند. در واقع «در خلق متن ادبی، رعایت ادبیت اثر، دروازه ورود مخاطب به متن است.»(جلالی،۱۳۹۲ :ص۷۷)

با توجه به اینکه داستان‌های بازنویسی شده مربوط به گروه سنی ج است؛ یعنی کودکان سال‌های پایان دبستان، نویسنده بازنویس می‌توانست در ارائه درون‌مایه خلاقیت بیشتری به کار می‌بردند. کودکان سال‌های آخر دبستان توانایی خواندن متون عرفانی را دارند. اگر چه گاهی ممکن است از خوانش این نوع متون احساس خستگی کنند، ولی نباید توانایی کودک مخاطب را دست کم گرفت و به دنبال ارائه مطالب اخلاقی به شیوه مستقیم بود. «کودک سال‌های آخر دبستان؛ کنجکاویش نسبت به مسائل فلسفی و دینی بیشتر می‌شود، علاقمند به افزایش توانمندی‌های خویش است»

(سیف و همکاران،۱۳۷۸ ص:۱۳۴) نویسندگان حوزه کودک باید علاوه بر مسایل ادبی و اصول داستانی، به ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان نیز توجه داشته باشند.

نتیجه

بررسی تطبیقی متن اصلی برخی از حکایت‌های عطار با متن بازنویسی شده آن نشان می‌دهد که متون عرفانی مانند آثار عطار (الهی‌نامه، مصیبت نامه و منطق الطیر) دارای مفاهیم و پیام‌های ارزشمندی برای کودکان و نوجوانان است. با بازنویسی خلاق و مناسب این حکایت‌ها می‌توان کودکان را با متون و مفاهیم عرفانی آشنا کرد. با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان به نکات زیر برای انجام یک بازنویسی خلاق اشاره کرد:

-پیرنگ حکایت‌های متن اصلی (آثار مورد بررسی عطار) اغلب ضعیف است و این امری طبیعی است. نویسنده و بازنویس می‌تواند با تقویت پیرنگ داستان، اثر متفاوت و جذاب خلق کند. خلاقیت در شروع و پایان حکایت‌ها، در داستان‌های عطار چندان توجهی نشده ولی بازنویس می‌تواند از عنصر تعلیق، شروع و پایان مناسب و گره افکنی به موقع استفاده کند.

- در متن اصلی به مساله و عنصر کشمکش و انواع ان توجهی نشده، چون قصد عطار داستان پردازی نبوده است؛ ولی بازنویس می‌تواند از این عنصر استفاده کند. آذریزدی تا حدودی از کشمکش‌های فکری استفاده نموده است.

- گسترش فضاها و حوادث فرعی داستان‌ها. در متن اصلی پردازش چندانی در حوادث دیده نمی‌شود؛ اما آذریزدی در برخی از بازنویسی‌ها به گسترش فضا، مکان، شخصیت و حوادث فرعی پرداخته است. در داستان کودک دانا این مساله به خوبی دیده می‌شود. عنوان حکایت‌ها از شکل عام و کلی خارج شده و به عنوان‌های کوتاه تبدیل شده‌اند.

- درون‌مایه برخی از داستان‌های بازنویسی شده نسبت به متن اصلی تغییر کرده است. آذریزدی مفاهیم عرفانی را به دلیل دشواری آنها، به مسایل اخلاقی و اجتماعی تبدیل کرده است. در حالی که طبق تعریف بازنویسی، بازنویس نمی تواند دخالت زیادی در درون‌مایه اثر داشته باشد. شیوه ارائه درون‌مایه هم در متن اصلی و هم در متن بازنویسی شده اغلب مستقیم و در پایان داستان‌ها بیان شده است. در حالی که آذریزدی می‌توانست پیام‌ها را به شکل غیر مستقیم و در میان کنش‌ها و اعمال شخصیت ها ارائه دهد.

- تعداد شخصیت‌ها در متن بازنویسی شده بیشتر از متن اصلی است. بازنویس می‌تواند با رعایت حجم داستان کوتاه، شخصیت‌های داستان را افزایش دهد. اسم شخصیت‌ها از عناوین کلی مثل حکیم و پادشاه به اسامی خاص تبدیل شده اند که این از نقاط قوت بازنویسی است.

- استفاده از ضرب المثل‌ها برای انتقال بهتر مفاهیم از دیگر نقاط قوت بازنویسی‌های آذریزدی است. نکته دیگر اینکه توضیحات اضافی درباره برخی از مثال مفهومی مثل، عشق، عدالت، عرفان و .. داستان را گاهی به یک گزارش ساده تبدیل کرده است. استفاده از عنصر گفت‌وگو برای معرفی بهتر شخصیت‌ها و انتقال اسان درون‌مایه داستان‌ها، از دیگر

نقاط مثبت بازنویسی‌ها به شمار می‌رود. نکته‌ی مهم و آخر اینکه آذریزدی در بازنویسی قصه‌های عطار به تفکر عرفانی عطار کمتر توجه نشان داده است و بیشتر آشنایی کودکان و نوجوانان با اثار عطار مورد نظرش بوده است.

فهرست منابع

آذر یزدی، مهدی، ***قصه‌های خوب برای بچه های خوب*** ،ج ۶ ،تهران:انتشارات امیر کبیر، (۱۳۷۹).

اسکولز، رابرت، ***درآمدی بر ساختار گرایی در ادبیات***، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز، (۱۳۷۹).

پایور، جعفر، ***شیخ در بوته***. تهران: شرافیه. (۱۳۸۰)

------، ------ ، ***بازنویسی و باز آفرینی در ادبیات***، تهران، نشر کتابدار، (۱۳۸۸).

جلالی، مریم، مقاله «***لذت از ادبیت، دروازه ورود کودکان و نوجوانان به کتابخوانی***» *مجله روشنان*، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳،صص ۷۵- ۷۹.

------، ------ ***شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان***، تهران، نشر طراوت، (۱۳۹۲).

حجازی، بنفشه، ***ادبیات کودکان و نوجوانان، جنبه‌ها و ویژگی‌ها***، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چ اول. (۱۳۸۲).

سلدن، رامان، ویدوسون، پیتر. ***راهنمای نظریه ادبی معاصر***. تهران: طرح نو، (۱۳۸۷).

سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا و لطف آبادی، حسین، ***روان‌شناسی رشد***، انتشارات سمت، تهران، (۱۳۷۸).

عارفی، اکرم؛ شعبان نژاد، مریم «***دگرگونی درون‌مایه قصه‌های عرفانی در بازنویسی‌های آذر یزدی***»، فصل *نامه علمی پژوهشی کاوش نامه* سال پانزدهم ش ۲۸، صص ۱۰-۳۸. ۱۳۹۳.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، ***منطق الطیر***، به اهتمام صادق گوهرین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۵.

----- ، ------ ***الهی نامه***، تصحیح عطاء الله تدین، تهران، نشر تهران، ۱۳۸۷.

------، ------ ***مصیبت نامه***، تصحیح عبدالوهاب نورانی، تهران، نشر زوار، ۱۳۸۵.

فروزنده، مسعود. «***نقد و تحلیل عناصر داستان در گزیده‌ای از داستان‌های کودکان***»، *مجله ادب پژوهی گیلان*، سال سوم، شماره نهم،ص(۱۵۱-۱۷۱). ۱۳۸۹

فورستر، ادوارد مورگان. ***جنبه های رمان***. ترجمه‌ی ابراهیم یونسی. تهران: نگاه، ۱۳۸۲.

گراوند، علی، ***بوطیقای قصه در غزلیات شمس***، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۸.

محمدی، محمد هادی، زهره قایینی. ***تاریخ ادبیات کودکان ایران***. ج۲، تهران: چیستا. چاپ سوم. ۱۳۸۴.

مراد پور، ندا «***لذت و اقتباس***»، مجله ادبیات کودک شیراز، دوره ۸، شماره ۲. ۱۳۹۵.

میرصادقی، جمال. ***ادبیات داستانی***، ج۵، تهران: نشر سخن. ۱۳۸۶

----- ، ------- ***عناصر داستان***، تهران. نشر سخن. ۱۳۸۵

هاشمی نسب، صدیقه. ***کودکان و ادبیات رسمی ایران***، تهران: سروش، چاپ اول. ۱۳۷۱.

یونسی، ابراهیم. ***هنر داستان نویسی***. تهران: انتشارات نگاه. چاپ دهم. ۱۳۸۸

- Hoffman, Michael j. ( ).***Essentials of the theory of fiction***. Patrick D. Murphy (ed). Duke university press. Pp.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

Criticism and Review of some rewritten tales of Attar for teens

Dr Sajad najafi behzadi
Masoomeh mehri
Ziba alikhani

Abstract
Mystical texts contain concepts and valuable messages for children and adolescents. Creative rewriting of these texts can familiarize children and adolescents with important mystical material. The purpose of this research is to compare some of the narratives of Attar Neishabouri with its rewritten text from the collection of Mahdi Azaryazdi rewrites to understand the important principles of a creative rewriting. The research method is quantitative and qualitative analysis of the content. By studying the stories from the original text and adapting them to the rewritten text, they are examined from the perspective of the elements of the story and appropriate rewriting techniques. The results showed that Azaryazdi changed the mystical introspection and turned it into moral immortality in order to acquaint children with mystical texts. An increase in the number of characters, an increase in the element of conflict and dialogue, the expansion of spatial and minor events, and the change in the title of stories are one of the most important techniques that have been considered for rewriting. The presentation of the introvert of the story in the direct form and the lack of attention to the element of suspense is one of the weak points of the annoying rewriting.

Key word: Azaryazdi, Attar, Children, Text Rewriting, Original Text.

[۱] . Assistant Professor of Persian Literature Department, Shahrekord University// najafi ir@yahoo.com

[۲] . Graduate student (M.A) of Shahrekord University.// mehrimasoomeh @gmail.com

[۳] . Graduate student (M.A) of Shahrekord University. //pretty @yahoo.com